

نهضت آزادی، چهاردهه تعادل

در سالهای ۱۳۴۰ نهضت آزادی ایران تاسیس شد. اگر فقط در اسم این حزب تأمل کنیم، میبینیم که هدف اصلی آن آزادی برای ایران است. یعنی همان نعمتی که بغیر از مدت زمانهای بسیار محدود از آن محروم بوده ایم. هرچند امروز با همت مردم و تمامی اصلاح گرایان واقعی، نسیم آزادی از هر طرف می وزد و حرکت جامعه رو بسوئی می رود تا در آینده این گوهر گرانبها برای همیشه در خانه ما جای گیرد. قهرمان گرائی و تندروی همیشه به جامعه ما صدمات جبران ناپذیری زده است. رشادتهای افراطی و سینه سپر کردنها، در این ۴۰ سال چه تعداد جوان را، چه قبل و چه بعد از انقلاب به دام مرگ فرستاده است. حال با این فرض که رهبران این گروهها صادق بوده و خود نیز مرگ را انتخاب کرده باشند، وای بحال زمانی که رهبران، هواداران را به جنگ مسلحانه تشویق و خود راه فرار انتخاب کرده است و یا در جاهایی بسیار امن و دور از دسترس پناه گزیده باشند.

احزایی هم قهرمان گرائی نکردند ولی اگر به حرکت آنها در این سالها بنگریم، می بینیم از هواداری مولفه و حزب جمهوری اسلامی تا هواداری از نهضت آزادی و اصلاح گرایان، تغییرمشی داده اند و معلوم نیست تا به کی به حرکات زیگزاکتی خود ادامه خواهند داد. اما بنظر من نهضت آزادی از آغاز حرکتی متوازن داشته است. چه قبل از انقلاب و زمانی که مرحوم بازرگان در دادگاه نظامی به شاه اخطار داد که ما آخرین گروهی هستیم که در چارچوب قانون حرکت میکنیم و بعد از ما حرکات مسلحانه شروع خواهد شد. البته شاه ابداً به این امر توجه نکرد و با زندانی کردن سران نهضت و بستن همه راههای قانونی حرکت سیاسی در جامعه، خود مشوق حرکات مسلحانه در ایران شد.

بعد از انقلاب، زمانی که نهضت سیاست گام به گام را مطرح کرد، با تمسخر گروههای انقلابی مواجه شد. در مورد گروهگانگیری که آنهمه به ما صدمه زد و جنگ و پایان آن، که البته یکی از هدفهای هر دو برای استبدادیان حذف "لیبرالها" و ایجاد استبداد کامل در ایران بود، مواضع نهضت بسیار قابل تأمل است. اما مگر لیبرالها چه میگویند که اینقدر سردمداران جناحهای افراطی چه در داخل حکومت و چه در اپوزیسیون با آنها مخالفند و از آنها می ترسند؟ به نظر من پیام اصلی نهضت آزادی در این سالها، آزادی، تعادل، توازن و شفافیت در حرف و عمل می باشد. تعادل چیزی است که از دانش آموز دبستانی تا استاد دانشگاه به آن محتاج است و این پیامی است که نهضت با سالها سخنرانی، اعلامیه، کتاب و زندان رفتن های مکرر برای ما آورده است.

هدف من از این نوشته اصلاً قهرمان پروری نیست و اصولاً هدف نهضت نیز، قهرمان سازی و بازیهای کودکانه نیست. من شناخت جامعی از این حزب ندارم و هیچگاه با این حزب همکاری نداشته ام ولی با بعضی از اعضای آن آشنا هستم. نهضت نیز همانند تمام تشکلهای انسانی، اشتباهات کوچک و بزرگ زیادی داشته است. مرحوم بازرگان همیشه اشتباهات خود را به گردن میگرفت و اظهار پشیمانی میکرد. در داخل نهضت هم احتمالاً فراکسیونهای مختلف وجود دارد، که البته امریست طبیعی و فقط در احزاب استالینیست، اختلافی وجود ندارد.

ولی اگر به این چهار دهه نگاه کنیم، می بینیم که نهضت تنها گروهی بوده که متوازن و متعادل عمل کرده است و تعادل چیز است که ما امروزه بیش از همیشه به آن نیاز داریم.